

المغيبه شيخ طوسيه بين كلام و حديث - عليرضا منفرد

فصلنامه تخصصي مطالعات قرآن و حديث سفينه

سال چهاردهم، شماره 56 «و ژه كتابشناخت متون اماميه»، پاييز 1396، ص 46-60

## المغیبة شیخ طوسی؛ بین کلام و حدیث

علیرضا منفرد × <sup>[1]</sup>

چکیده: در میان کتب شیعه، کتاب‌های شیخ طوسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از جمله کتاب‌های المغیبة. این کتاب از یک سو کتابی کلامی و از سوی دیگر کتابی حدیثی است. شیخ در این کتاب روایاتی را گرد آورده که امروزه غیر از طریق او در دسترس ما نیست. همچنین نوع نگارش مباحث کلامی شیخ در کنار نقل حدیثی، به گونه‌ای است متفاوت با آنچه اساتید او سید مرتضی و شیخ مفید در عموم نوشته‌های خویش داشتند. همه این‌ها المغیبة را کتابی متمایز در میان آثار مکتب بغداد کرده است.

کلیدواژه‌ها: المغیبة، شیخ طوسی، کلام، حدیث، مکتب بغداد.

### مقدمه

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، ملقب به «شیخ المطائفه» فقیه، محدث، مفسر و متکلم نامدار شیعه در قرن پنجم هجری قمری در سال 385 در خراسان متولد شد. و به سال 460 در نجف درگذشت.

شیخ طوسی و آثار او به دلایل متعددی از دیرباز مورد توجه محققین علوم دینی قرار داشته است. می‌توان برخی از آن دلایل را به شرح زیر بر شمرد:

## 1. آثار سرآمد در حوزه‌های مختلف دینی

آثار مختلف او در حوزه‌های مختلف دینی سرآمد بود. چه در فقه و فقهات که تا حدود یک قرن، یعنی تا زمان ابن ادریس حلی (م 598)، بزرگان علما همگی مقلد او بوده فتوای جدیدی صادر نکردند. [2] در حدیث دو کتاب گران‌سنگ «تهذیب» و «استبصار» او در شمار کتب اربعه شیعی جای گرفت، مضاف بر کتاب‌های اهل‌المی و احادیث فراوانی که از طریق سایر کتب او به دست ما رسیده است. در تفسیر نیز، «المتبیان» او عنوان اولین کتاب جامع تفسیری شیعه را از آن خود کرده و می‌توان آن را هم کتاب حدیثی دانست و هم کتاب علوم قرآنی. در کلام، کتاب «المغیبة» او - که موضوع این نوشتار است - و کتاب‌های دیگری که خود از آن کتب در الفهرست خویش یاد کرده، مانند کتاب «هدایة المسترشد و بصرة المتعبد» کتاب «المفصح فی الامامة» تلاش کلامی او را نشان می‌دهد.

[2]

غیر از این‌ها دو کتاب «رجال» و «الفهرست» او در شمار مهمترین منابع رجالی شیعه قرار دارد و در ادعیه کتاب «مصباح المتعبد» او در شمار معتبرترین مصادر است. تألیفاتی در حوزه‌های مختلف دینی به ویژه در آغاز غیبت کبری و در دوره‌ای که مرجعیت شیعه نوبست و تنها دو فقیه معروف «شیخ مفید» و «سید مرتضی» را که هر دو از شاخ‌های او می‌باشند، تجربه کرده است، بر اهمیت و جایگاه او در میان علمای شیعه می‌افزاید.

2. وراثت مدرسه بغداد و احیای مدرسه و مکتب قم

وی در سال‌های واپسین عمر و دوران نمره دهی خویش، مؤسس مدرسه و حوزه علمیه نجف است که می‌توان آن را به نوعی جمع بین دو مدرسه قم و بغداد دانست. بی‌شک سهم فراوان مدرسه قم در حفظ میراث حدیثی شیعه غیر قابل انکار است. بزرگانی همچون صدوق و کلینی و آثار آن‌ها در همه حوزه‌های دینی اهم از کلامی و فقهی و تفسیری، صیغه حدیثی دارد که این رویکرد، در مدرسه بغداد پیش از طوسی یعنی بغداد شیخ مفید و بغداد سید مرتضی چندان ادامه نیافت، ولی عامل مهمی در حفظ تراث حدیثی شیعه شد. اما شیخ طوسی که پس از مفید و مرتضی بر مسند مرجعیت شیعه در بغداد تکیه زد، با توجه مضاعف به حدیث نسبت به شاخ خویش، حال و هوای مدرسه قم را در بغداد احیا کرده و با آثار خود، حفظ میراث حدیثی شیعه را استوار نمود. با این وجود، توجه به مبانی عقلی در مباحث کلامی و همچنین توجه اصولی در مباحث فقهی، که نمره مرجعیت بغداد بود، در آثار وی نیازی به تبیین نداشته و به وفور یافت می‌شود. از این رو می‌توان او را فرزند دو مدرسه قم و بغداد دانست که در نهایت در نجف مستقر شد.

3. حکومت شیعی آل بویه

از سال 320 که آغاز فرمانروایی آل بویه در سرزمین‌های فارس و سپس عراق است، عرصه برای یک نگرانی عیالیان تنگ‌تر شد و فضای گسترده‌ای پیش روی بزرگان علمای بغداد در گسترش مبانی فکری شیعی فراهم گشت. این داستان تا سال 448 - یعنی همان سالی که کتابخانه شیخ توسط ترکان حنفی مذهب سلجوقی آتش گرفت، و وی مجبور به بهاجرت به نجف شد - ادامه داشت. مشابه این بستر، سال‌ها بعد در دوره صفویه، برای علامه مجلسی و علمای متأخر آن عصر به وجود آمد. می‌توان شباهت‌هایی را میان این دو دوره برشمرد که از حوصله این نوشتار خارج است.

4. دسترسی به منابع دست اول

بیش از قدرت یافتن ترکان سلجوقی و آتش‌سوزی در کتابخانه شاهپور، این کتابخانه که توسط دیلمیان تأسیس گشته بود، بر بود از کتب متعددی که شامل اصول اربعمانه و سایر مؤلفات و نوشته‌جات پیشینان شیعه و غیرشیعه بود. منابعی که شیخ به آن دسترسی داشته است، امروزه به دلایل متعددی بیشتر آنها در دسترس نیست. شیخ خود نیز کتابخانه‌ای بزرگ داشت که میراث سید مرتضی و پیش از او مفید بود. آن کتابخانه نیز در آتش حملات سلجوقیان از بین رفت.

بررسی کتاب المغیبة

در میان آثار شیخ طوسی، کتاب «المغیبة» ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دیگر آثار متمایز کرده است. کتاب وی هم در شمار کتب حدیثی قرار دارد و هم در شمار کتب کلامی. از این رو از هر دو منظر به شکل مستقل قابل بررسی است.

بررسی حدیث شامانه کتاب

شیخ الملائنه در «المغیبة» قریب به 500 روایت آورده است. برخی از روایات تکرار شده و برخی از آن قطع‌هایی از یک روایت دیگر است. اما مجموع روایات تکراری از 20 عنوان تجاوز نمی‌کند. حدود 30 حدیث نیز، سخنی از غیرمعموم است و دلالتی بر تقریر یا فعل معصوم ندارد، بلکه یا شرح واقعه‌ای تاریخی در دوران غیبت صغری یا پیش از آن، یا شرح حال وکیل یا یکی از اصحاب معصومین است.

آن چه اهمیت المغیبة را بسیار بالا می‌برد حدود 335 حدیث است که نمی‌توان آن را در منابع پیش از او یافت. این عدد گویای آن است که المغیبة کاملاً می‌تواند به عنوان یک منبع حدیثی دست اول به شمار آید.

به همین دلیل است، که علامه مجلسی «المغیبة» را از مصادر بحار دانسته و بیش از 385 حدیث را از المغیبة نقل کرده که در اکثر موارد (حدود 350 مورد) هم «المغیبة» را در ابتدای اسناد خویش ذکر کرده است.

در میان احادیث این کتاب، حدود 50 حدیث، مستداً از کلینی نقل شده که می‌توان آن را در الکافی یافت. حدود 25 حدیث دیگر نیز مستداً از کتب شیخ صدوق مخصوصاً کمال الدین آورده شده است. شیخ در موارد انگشت شماری هم به المغیبة تمعانی، کنی، کتاب سلیم بن قیس هلالی و... ارجاع داده که عدد مجموع آنان از تعداد انگشتان دست‌ها فراتر نخواهد رفت.

در میان سایر احادیث المغیبة می‌توان حداکثر تا 80 حدیث را یافت که شیخ به سند خویش نقل کرده، اما مشابه این حدیث را محدثان پیش از طوسی در کتبی که به ما رسیده است، نقل کرده‌اند.

بدین سان حدود 67 درصد احادیث منقوله در «المغیبة» در کتب پیش از او که به ما رسیده است، یافت نمی‌شود، حدود 14 درصد از این احادیث، با اختلافی اندک، یا با اسنادی متفاوت در کتب پیش از او که به ما رسیده است، یافت می‌شود. و حدود 20 درصد از احادیث این کتاب، تکرار احادیثی است که اکنون در سایر منابع در دسترس است.

این مطلب را از طریق دیگری نیز می‌توان دریافت. با احتساب منقولات علامه مجلسی در بحار، در می‌یابیم که وی بیش از 80٪ کتاب المغیبة را در بحار ذکر کرده است.

با بررسی اسناد احادیثی که شیخ در کتابش نقل نموده، در می‌یابیم که شیخ از کتاب‌هایی نقل کرده که در روزگار او موجود بوده و امروزه به دست ما نرسیده است. بارزترین نمونه آن کتاب فضل بن شاذان نیشابوری است. فضل - بنا بر آن چه نجاشی و خود طوسی در

فهرست-هایشان تصریح کرده-اند- کتب فراوانی داشته که حداقل سه کتاب او پیرامون موضوع مهدویت با عنوان «کتاب القائم 7» و «کتاب الملاحم» و «کتاب اثبات المرجعة» است که متأسفانه امروزه در دسترس ما نیست، البته احتمال فراوانی وجود دارد که اکثر روایات نقل شده در آن کتاب، توسط جامع-توسان قرن بعد جمع شده باشد که در نتیجه امروزه در دسترس است. این کتاب-ها مخصوصاً کتاب سوم در دسترس شیخ الطائفة بوده، همان که برخی از آن به عنوان «کتاب الغیبة» فضل بن شاذان یاد می-کنند.

نمونه-ای دیگر، کتاب یعقوب بن نعیم است که شیخ تعداد انگشت شماری حدیث از او نقل کرده. این کتاب با توجه به توصیف نجاشی از آن که در شرح وی گفته، پیرامون امامت است. همچنین شواهد پیداست که شیخ از تلخیصی نیز کتابی در همین موضوع در اختیار داشته است.

البته همه احادیثی که شیخ در این کتاب آورده مسند نیست. احادیث آن در مواردی مرفوع و گاهی مرسل است. اما این، روال غالب بر کتاب نیست. چنانکه از راویان اهل سنت نیز در موارد اندکی بهره برده و مثلاً از ابوهریره نیز در صورت لزوم حدیث آورده است.

بررسی محتوای حدیثی - کلامی «الغیبة»

کتاب مشتمل بر هشت فصل است. با بررسی هر یک از فصول این کتاب و مطالب کلامی و حدیثی که شیخ آورده، نکات قابل توجهی قابل انتاج است.

فصل اول: فصل فی الکلام فی الغیبة

شیخ در این فصل، مباحث کلامی فراوانی پیرامون اثبات وجود امام زمان در دوران غیبت مطرح می-کند. وی ادله مخالفین را دو قسم بیان می-دارد: یک قسم منکران اصل امامت و دیگری فیرق غیر امامی شیعه. سپس بعد از بحثی طولانی در اثبات امامت، به تحلیل آراء و نظرات هر یک از فرق پرداخته و از این دو رهیگذار، غیبت امام زمان را اثبات می-کند.

وی در این فصل تنها در رد واقفیه 22 روایت نقل می-کند و در نهایت می-گوید که احادیث دال بر امامت امام علی بن موسی الرضا 7 بیش از این است و ما به همین مقدار اکتفا می-کنیم. (الغیبة: 42) سپس چهل حدیث از احادیثی را که واقفیه بدان استدلال می-کنند، ذکر کرده و یک به یک به تحلیل آن پرداخته است.

سپس ده حدیث در طعن علی بن حمزة بطلانی و سایر بزرگان واقفیه آورده و در پایان می-نویسد: «و الطعن علی هذه الملائفة أكثر من أن تحصى لا نطول بشکرها المکتوبة» (الغیبة: 70)

سپس به بحث کلامی مفصلی در معنای غیبت می-پردازد و در خصوص مسأله معنای غیبت و دفع شبهات پیرامون آن ادله-ای کلامی مطرح می-کند. نکته قابل تمجید در این بیانات کلامی، توجه شیخ به تک تک آراء موجود زمانه خویش است که از این فقرات، می-توان اطلاعات دقیقی از فرقه-های موجود در عصر شیخ به دست آورد، فرقه-هایی که امروزه اثری از بسیاری از آنها نیست.

سپس شیخ مطالبی درباره اختصاص عدد دوازده برای تعداد ائمة اطهار آورده و پس از نقل بیست و چهار روایت کوتاه و بلند مسند در این خصوص نوشته است: «آن چه نقل کردیم گوشه-ای از روایاتی بود که در این زمینه صادر شده است و اگر می-خواستیم به وارد

کردن این روایات پیرامون، کار کتاب به درازا می‌انجامید.» (الغیبة: 156) سپس در بحثی کلامی پیرامون این روایات، آنها را متواتر معنوی می‌داند. در این جهت با استناد به نقل‌هایی از کتب مخالفین تعداد ائمه اطهار را تثبیت می‌کند.

شیخ بعد از همه این مقدمات، از صفحه 158 کتاب بحثش را به موضوع مهدویت اختصاص داده و از مسأله غیبت و صدور روایات فراوان در این زمینه قبل از ابتدای دوران غیبت، آغاز می‌کند. وی پانزده روایت دال بر پیش‌بینی غیبت نقل می‌کند و باز هم می‌نویسد:  
«و الأخبار فی هذا المعنی أكثر من أن تحصی، ذکرنا طرفاً منها لئلا یطول به الكتاب.» (الغیبة: 173)

شیخ بعد از بیان این روایات به اختصار به دفع شبهات مقدر پرداخته و تواتر معنوی را اثبات می‌کند و احتمالات غلط را پاسخ می‌دهد.

شیخ سپس چنین استدلال می‌کند که همه ائمه متفقند که یک مهدی در این امت ظهور می‌کند و دنیا را از عدل و داد سزای می‌سازد. او در تثبیت این مطلب نوزده روایت آورده، با اشاره به این که این‌ها گوشه‌ای از روایات پیرامون این باب است. سپس چنین استدلال می‌کند که اگر اثبات شود این مهدی از فرزندان امام حسین 7 است، ثابت می‌شود که او فرزند امام حسن عسکری 7 است، زیرا فرد دیگری نیست که چنین ادعایی داشته باشد. بنابر این شیخ پس از بیان روایات مربوط به اینکه مهدی از امت پیامبر است، ده حدیث آورده، به این مضمون که مهدی از فرزندان امیرالمؤمنین و از نسل امام حسین 8 است.

او در این اثنا، اقوال چند گروه را می‌آورد: کسانی که قائل به حیات و عدم شهادت امیرالمؤمنین هستند، معتقدان به امامت محمد بن حنفیه، 4ووسیه، واقفیه، محمدیه، کسانی که امام حسن عسکری را قائم می‌شمارند، کسانی که قائل به فترت بعد از امام عسکری هستند، کسانی که قائل به امامت جعفر کذاب هستند، کسانی که تصور می‌کنند امام عسکری فرزندی نداشته است، کسانی که امامت را از امام عسکری به بعد منقطع می‌دانند کسانی که تصور می‌کنند امام زمان فرزندی دارد و ائمه را 13 نفر می‌دانند. شیخ طوسی همه را با ادله عقلی و نقلی رد می‌کند. و به این ترتیب فصل اول پایان می‌یابد.

517 از حجم این فصل، روایات و 49٪ از آن مباحث کلامی خود شیخ است. 5 همین مطلب به تنهایی می‌رساند که این کتاب هم کلامی و هم حدیثی است.

حجم فصل اول - که سهم بزرگی از حجم کتاب را به خویش اختصاص داده - 48٪ حجم کل کتاب یعنی تقریباً نیمی از کتاب است.

فصل دوم: فصل الکلام فی ولادة صاحب الزمان و اثباتها بالادلة و الأخبار

شیخ این فصل را - که حجم کمتری نسبت به فصل قبل دارد - با این بحث آغاز می‌کند که اثبات ولادت امام زمان 7 هم به دلیل عقلی و هم به دلیل نقلی، میسر است. وی بعد از شرح کوتاهی از دلیل عقلی بر ولادت امام زمان، 29 حدیث پیرامون این مسأله می‌آورد که برخی از آنان، اسنادی مختلف از یک روایت است.

فصل دوم غیر از نیم صفحه اول آن، فصلی کاملاً حدیثی به شمار می‌آید که حجم مطالب کلامی این فصل تنها حدود 3٪ است و 97٪ باقی مانده به احادیث اختصاص دارد. ضمن آن که فصل دوم تنها 5٪ از حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است.

فصل سوم: فصل اخبار بعض من رأی صاحب الزمان 7 و هو لا عرفه أو عرفه ف ما بعد

شیخ این فصل حدیثی را با این عبارت تکراری شروع می‌کند: «روایاتی که شامل کسانی می‌شود که ایشان را دیده‌اند، در حالی که ایشان را نمی‌شناختند یا بعد از آن شناختند، بیش از آن است که قابل شمارش باشد، گرچه ما گوشه‌ای از آن را ذکر می‌کنیم.»

وی پس از این 16 روایت نسبتاً مفصل در این باب نقل می‌کند. حجم این فصل 7٪ از کل کتاب است.

فصل چهارم: فصل بعض معجزات الإمام المهدي 7 و ما ظهر من جهته 7 من التوق مات علي دی سفرنامه

شیخ در ابتدای این فصل، باز هم مطابق گذشته، به کثرت روایات موجود پیرامون این باب اشاره می‌کند که تنها گوشه‌ای از این روایات را بیان داشته است. وی می‌نویسد: «و أما ظهور المعجزات الدالة علي صحة إمامته في زمان الله به فهي أكثر من أن تحصي في ر أنا نذكر طرفاً منها.» سپس شیخ 66 حدیث پیرامون معجزات امام زمان 7 نقل می‌کند.

این فصل نیز کاملاً صیغه حدیثی دارد و جز نیم صفحه‌ای در پایان که شاید حداکثر 2٪ حجم فصل باشد، فاقد مباحث کلامی و کاملاً حدیثی است. این فصل 11٪ از کل کتاب را شامل می‌شود.

فصل پنجم: فصل في ذكر العلة الممانعة من ظهور الحجة 7

شیخ در این فصل ابتدا علت مانع ظهور را خوف از قتل می‌داند، سپس بحث کلامی ارزشمندی پیرامون وجه عقلی آن و بُعد حکیمانه غیبت می‌آورد و در تأیید مدعای خویش روایاتی بیان می‌کند.

وی در میانه فصل توضیح می‌دهد که چرا مسأله امتحان شیعیان که در برخی احادیث مطرح است، نمی‌تواند علت مانع ظهور باشد. سپس برخی از این دسته از احادیث را نیز نقل می‌کند.

وی در این فصل پنجاه و پنج حدیث نقل کرده که 78٪ از حجم این فصل را شامل می‌شود و 32٪ باقی مانده، مباحث کلامی شیخ است. این فصل کمتر از 3٪ از حجم کل کتاب را به خود اختصاص داده است.

فصل ششم: فصل سراء الإمام المهدي 7 و المظروف المتی أبحاثهم في المسارة و ذکر أمور أخرى

وی در این فصل ابتدا به معرفی وکالی سایر ائمه می‌پردازد. مهدوحین از وکالی ائمه با معرفی تک تک آنان و روایاتی که در مدح آنان شرف صدور یافت در این فصل آمده است. این فصل به نوبه خود، علاوه بر مباحث کلامی و حدیثی، واجد محتوایی رجالی نیز

هست.

شیخ طوسی، از حمران بن امین شروع کرده و چهارده تن از سفرای معصومین قبل از امام زمان 7 را به اسم شناسنده و حدیثی را که در خصوص آنان دلالت بر سفارت و وکالت آنان از جانب معصومین دارد، بیان می‌کند.

سیس هفت تن از وکلای مذموم را معرفی کرده و تفصیل این مطلب را به سایر کتب ارجاع می‌دهد. در جرح برخی از این افراد، حدیث نقل نموده و در جرح برخی دیگر، اشاره به حوادث تاریخی کرده است.

بعد از این به معرفی وکلای چهارگانه غیبت صغری یا همان نواب اربعه می‌پردازد. برای سیر اول عثمان بن سعید عمروی 6 روایت، ذیل سیر دوم محمد بن عثمان 10 روایت، ذیل سیر سوم حسین بن روح نوبختی 23 روایت و در نهایت ذیل سیر چهارم علی بن محمد سمری 6 حدیث نقل می‌کند.

پس از این به مدعیان دروغین بابت یا سفارت می‌پردازد و هفت تن را نام می‌برد که حسین بن منصور حلاج در شمار این افراد قرار دارد. شیخ ذیل هر کدام حکایتی را که ناظر به ادعای آنان و یا اثبات کذب آنان است، بیان می‌دارد، بعد از این شیخ توقیفاتی در مدح 4 نفر دیگر غیر از سفرای آورده.

این فصل 95 حدیث در بردارد، ولی برخی از آنها در تعریف حدیث یعنی حاکی بودن قول یا فعل یا تقریر معصوم، نمی‌گنجد، زیرا برخی از آنها نقلی از راویان پیرامون احوال شخصی غیر معصوم است.

این فصل که صیغه حدیثی - کلامی - رجالی دارد، بعد از فصل اول حجم بیشتری داشته و 17٪ از کل کتاب را شامل می‌شود. و سرشار است از نکات ریز و درشت درخور توجهی از تاریخ عصر قبل از شیخ که به دلیل قرب شیخ به آن زمان، می‌تواند دلالت‌های تاریخی مهمی در برداشته باشد.

فصل هفتم: فصل ذکر بعضی المشبهات حول الإمام المهدي 7

این فصل یکی دیگر از اهداف مهم شیخ در نگارش کتاب، یعنی بر طرف کردن تزلزل‌های موجود میان شیعیان پیرامون امامت صاحب الزمان در دوران ابتدایی غیبت کبری را بیان می‌دارد. شیخ در این فصل پنج شبهه از شبهات پیرامون امام زمان 7 را مطرح کرده و به آنها پاسخ می‌دهد:

1- مسأله طول عمر امام زمان است. بحثی کلامی با پنج روایت



2- نقد و بررسی اخباری به این مضمون که امام زمان 7 خواهد مژد و سپس زنده خواهد شد، یا این که کشته خواهد شد، هفت روایت در پاسخ به این مطلب.

3- مشخص نبودن زمان ظهور. 10 روایت.

4- روایاتی که زمان-هایی برای ظهور مشخص کرده-اند و این که این زمان-ها قابل جایجایی است و توضیح مسأله بدهد، مباحثی کلامی و چهار حدیث.

5- برخی از علامات پیش از ظهور. شصت و دو روایت بدون بیان یا توضیحی پیرامون آن-ها.

در مجموع، حدود 90٪ محتوای این فصل، حدیثی است و این فصل حدود 7٪ از کل کتاب را در بر گرفته است.

فصل هشتم: فصل فی ذکر طرف من صفاته و منازل و س رته 7

فصل هشتم کتاب شیخ بی-هیچ مقدمه-ای با احادیث آغاز شده و شیخ تا پایان کتاب، به بیان روایاتی پیرامون امام زمان 7 و صفات و ویژگی-ها و جایگاه ایشان پرداخته است.

در این فصل 23 حدیث نقل شده و حجم این فصل نسبت به کل کتاب کمتر از 2٪ است.

جمع-بندی

در مجموع، حدود یک چهارم (26.3٪) کتاب المغیبة شیخ طوسی اختصاص به مباحث کلامی شیخ داشته و سه چهارم باقی مانده اختصاص به نقل احادیث دارد. این از یک سوی، اهتمام شیخ به احادیث در طرح مسائل کلامی، و از سوی دیگر، اهمیت این کتاب در هر دو بعد حدیثی و کلامی را نشان می-دهد.

از ویژگی-های فراگیر کتاب، این است که شیخ در بیشتر مواقع، هنگامی که به بیان روایات پرداخته، طرح مباحث کلامی و یا فقه الحدیثی را کنار گذاشته و مباحث کلامی را قبل از نقل احادیث می-آورد. لذا کتاب در قسمت-های حدیثی، مانند کتاب کافی، بدون بیان و شرح ذیل هر روایت می-باشد.

همچنین وی در موارد فراوانی پس از بیان چند روایت در موضوع، به کثرت روایات در آن مورد اشاره می‌کند. این نشان می‌دهد که انگیزه شیخ در نگارش کتاب، صرفاً دفع شبهات بوده، نه استقصای روایات. لذا در بیان ادله روایی به حداقل مورد نیاز خود اکتفا کرده است.

المغیبة کتابی حدیثی است که صیغه حدیثی آن بیشتر است. امروز این کتاب، قدیمی‌ترین منبع ما برای بسیاری از احادیث است.

منابع

1. ابن ابی ز. نب، محمد بن ابراه. مؤلفه. تهران: نشر صدوق، 1397ق.

2. ابن ابیو. 4، محمد بن علی الخصال، قم: نسیم کوثر، 1382 ش.

3. اعتقادات الإمامی، تهران: اسلامیة، 1371 ش.

4. المألی؛ تهران: کتابچی، 1376.

5. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ تهران: ارمغان طویی، 1382.

6. اء ون أخبار المرزا؛ تهران: دار الکتب الإسلامية، بی‌تا.

7. کمال الد ن و تمام النعمة، قم: دار الحديث، 1395ق

8. \_\_\_\_\_، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1403ق.

9. الطوسی، محمد بن الحسن، الإستبصار فی ما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الإسلامیة، 1390ق.

\_\_\_\_\_، 10. الغيبة، قم: دار المعارف الإسلامیة، اول، 1411 ق.

\_\_\_\_\_، 11. الفهرست.

12. \_\_\_\_\_، رجال الطوسی، قم: مؤسسة النشر الإسلامیة التابعة لجامعة المدرسین بن یوم المقدسه، 1373ش.

13. برقی، احمد بن محمد، رجال البرقی - الطبقات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 132ش، اول.

14. جبرئیلی، محمد صفر، سیر تطور کلام شیعه، تهران: هنگام، 1394ش.

15. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم: معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، اول، 1372ش.

16. فقیه زاده، عبدالهادی، عالمه مجلسی و بحار الأنوار، تهران: مؤسسه بوستان کتاب، 1389ش.

17. فهرست کتب الله و اولیاهم و أسماء المصنوعین و أصحاب الأصول، قم: ستاره، 1420ق.

18. کتبی، محمد بن عمر، رجال الکشی - إختصار معرفة الرجال، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، 1409ق.

19. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة، 1407ق.

20. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: إحياء التراث العربی، 1403ق، دوم.

21. مف، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید، 1413ق.

22. نجاشی، احمد بن علی، رجال المنجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسه، ن یم المشرقه، 1365ش.

23. سایت noormags.ir.

24. نرم افزار جامع الأحادیث نور 3.5.

---

x. دانشجوی کارشناسی ارشد و عقائد دانشگاه قرآن و حدیث [monfaredkia@yahoo.com](mailto:monfaredkia@yahoo.com)

[2] . معجم رجال الحديث، ج 15، ص 247.

2. الفهرست، 451.

3. الفهرست، 447.

1. درصدها بر مبنای شمارش کلمه به وسیله نرم افزار انجام شده است.

